



اسرائیل سرگردان در بحران اسرائیل سرگردان در بحران

در چند هفته گذشته در محافل داخلی رژیم صهیونیستی درباره پیروزی وعده داده شده در غزه و آنچه «نابودی» جنبش حماس تعبیر می‌شود

در چند هفته گذشته در محافل داخلی رژیم صهیونیستی درباره پیروزی وعده داده شده در غزه و آنچه «نابودی» جنبش حماس تعبیر می‌شود و نیز بازگرداندن اسرا سوالات متعددی مطرح بوده و همزمان با تشدید تظاهرات و اعتراضات برای بازگرداندن اسرا و تعجیل در برگزاری انتخابات پارلمانی، برخوردهای سیاسی بار دیگر آغاز شده اند.

به گزارش ایسنا، رژیم صهیونیستی در حقیقت در بحران فعلی خود سرگردان شده، از یک سو نمی‌تواند از اقداماتش در غزه عقب نشینی کند و از سوی دیگر موانعی در راه تکمیل جنگ نسل‌کشی در مقابل آن وجود دارند و تمام این‌ها در سایه رکود پرونده مذاکرات تبادل اسرا در دست انجام بوده و کابینه فعلی رژیم صهیونیستی با ترکیب و رویکرد فعلیش، از بررسی هرگونه راه حل و یا نتیجه سیاسی ناتوان است.

طبق گزارش وبگاه «العربی الجدید»، در این شرایط نه کابینه رژیم صهیونیستی و نه ارتش آن به جز تشدید اقدامات قبلی شان از کشتار و ویرانی گرفته تا تهدید به یورش زمینی به رفح و باز کردن جبهه‌های جدید، گزینه‌های زیادی برای تداوم جنگ نسل‌کشی علیه غزه ندارند.

راه حل نظامی کافی نیست

پژوهشکده امنیت داخلی دانشگاه تل‌آویو در ماه جاری میلادی (آوریل) تحقیقی را با عنوان «روز پس از جنگ، تقویت عملیات نظامی نیازمند تصمیمات شجاعانه است» ارائه کرد که در آن سناریوهای متعددی را برای اقدام رژیم صهیونیستی در جنگ فعلی علیه غزه به ویژه در مورد روز پس از جنگ ارائه کرد.

«تامر هایمن» رئیس این مرکز که رئیس سابق مرکز اطلاعات نظامی و عضو کمیته مشورتی «یوآو گالانت» وزیر جنگ این رژیم است، در مقدمه این تحقیق نوشت که با گذشت نیم سال از عملیات هفتم اکتبر و با وجود «دستاوردهای عملیاتی بزرگ در نوار غزه» اما تاکنون هیچ یک از اهداف جنگ به شکل کامل محقق نشده است.

هایمن معتقد است جنگ علیه حماس رو به کاهش است و همان گونه که در این مرحله انتظار می‌رفت و تا عملیات رفح این رویکرد تغییر اساسی نخواهد کرد، این عقب‌نشینی می‌تواند منجر به برهم خوردن معادلات شده و با شکست و ناامیدی همراه خواهد بود اما از سوی دیگر این شرایط فرصت‌هایی را ایجاد می‌کند که می‌تواند با گذشت زمان شرایط امنیتی اسرائیل را بهبود ببخشد.

در این تحقیق هشدار داده شده که روند فعلی اسرائیل ضرباتی را به بازدارندگی و جایگاه آن وارد خواهد کرد و خطرات بزرگ و متعددی را در پی خواهد داشت. دیوارنگاره‌ای در تهران درباره عملیات تلافی جویانه ایران رسانه قطری می‌نویسد مشکل راهبردی که این تحقیق آن را شناسایی کرد این است که «حرکت به سمت یک جنگ فرسایشی بلندمدت و راکد، شانس بازگرداندن اسرای اسرائیلی و نیز امکان جایگزینی حاکمیت حماس در نوار غزه را کاهش خواهد داد و همین‌طور روابط ویژه تل‌آویو با واشنگتن را به خطر خواهد انداخت و امنیت مرزهای اسرائیل را کاهش داده و به انزوای آن در عرصه منطقه و بین‌الملل منجر خواهد شد».

از جمله اقدامات پیشنهادی در این تحقیق برای مقابله با این بحران استراتژیک، طراحی ساختاری منطقه‌ای موازی با محور مقاومت به رهبری ایران است تا زیرساختی برای ادغام اسرائیل در منطقه ایجاد شود؛ همچنین ایجاد یک افق سیاسی در فلسطین که با گذشت زمان می‌تواند به کاهش شدت درگیری منجر شود.

همچنین در این تحقیق به میزان شدت بحران راهبردی رژیم صهیونیستی که عملیات طوفان الاقصی آن را ایجاد کرد، آن هم نه فقط در سطح نظامی و امنیتی بلکه در محور سیاسی و دیپلماتیک و نیز تصویر اسرائیل در عرصه بین‌الملل پرداخته شده است. نتایج این تحقیق تنها بر بعد امنیتی نظامی متمرکز نبوده و صرفاً به آن نمی‌پردازد بلکه به وضوح می‌گوید راه حل نظامی به تنهایی کافی نیست و باید با راه حل یا رویکرد سیاسی روشن همراه باشد.

تنها پس از گذشت حدود هفت ماه از آغاز جنگ علیه غزه، برخی در اراضی اشغالی معتقد هستند هیچ راه حل نظامی در غزه بدون راه حل سیاسی یا طرحی سیاسی وجود ندارد و ادامه دادن به این رویکرد می‌تواند بر بحران‌ها و مخمصه‌های اسرائیل بیفزاید.

همچنین تعدادی از تحلیلگران می‌گویند اسرائیل در حقیقت جنگ علیه غزه را باخته است اما آن گونه که به نظر می‌رسد این صداها مخالف تا الان تأثیری بر روند تصمیم‌گیری‌های سیاسی و امنیتی نداشته و اسرائیل رویکرد و عملکرد خود را تغییر نداده است.

اسرائیل میان جنگ غزه و عملیات ایران

پژوهشکده امنیت داخلی دانشگاه تل‌آویو این تحقیق را ۲ روز قبل از حمله تلافی جویانه ایران به اهدافی در سرزمین‌های اشغالی که عمق بحران باور امنیتی این رژیم را برملا کرد، منتشر کرد. این حمله از نظر اسرائیل فرسایش قدرت بازدارندگی که

این رژیم از هفتم اکتبر سعی در بازسازی آن را داشت، تشدید کرد و با وجود اینکه کابینه، ارتش و جامعه اسرائیل به ادعای «موفقیت در ناکام گذاشتن بیشتر پهپادها و موشک های ایرانی آن هم با کمک گسترده ارتش آمریکا و برخی کشورهای اروپایی و عربی احساس پیروزی می کردند»، در بسیاری از تحلیل ها این مسئله پیروزی قلمداد نشد بلکه آن را اتفاقی با شدت و خطرناکی شکست هفتم اکتبر به ویژه در حوزه راهبردی این رژیم دانستند.

«آوی یسسخاروف» تحلیلگر مسائل نظامی رژیم صهیونیستی نیز در مقاله ای که در وبگاه دیدیوت آحارونوت منتشر کرد، نوشت: «این عملیات ایران برخلاف باورهای حاکم بر محافل تصمیم گیرندگان در اسرائیل درباره ایران تا پیش از حمله بود، همانگونه که هفتم اکتبر باورهای حاکم در خصوص حماس در غزه را کنار زد و آنچه رخ داد به وضوح عدم بازدارندگی تهدیدهای اسرائیل در مقابل ایران را نشان داد و میزان شکست سیاست اسرائیل در مقابل ایران در دوره نخست وزیری بنیامین نتانیاهو را ثابت کرد».

او نوشت «باور "آقای امنیت" به شکستی مفتضحانه و ناتوانی تبدیل شد و اسرائیل خود را میان پاسخ دادن یا ندادن به حمله ایران سرگردان یافت و در اینجا مشکل اصلی آغاز می شود: حمله اسرائیل می تواند به واکنش دیگری از سوی ایران منجر شود و در نهایت حزب الله لبنان نیز وارد درگیری شود و آن زمان صحبت درباره یک جنگ منطقه ای فراگیر علیه دشمنی خواهد بود که زرادخانه آن از آنچه حماس در اختیار دارد، مرگبارتر است».

بر اساس این گزارش، حمله ایران بار دیگر همانند هفتم اکتبر، شکست دستگاه های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، مرکز اطلاعات نظامی و موساد را نشان داد، در حالی که پاسخ ایران قابل پیش بینی بود و تمامی سران ایران از جمله «سید ابراهیم رئیسی» رئیس جمهور این کشور تصریح کردند که پاسخ اجتناب ناپذیر است اما «اسرائیل به قالب های فکری و تحلیل های موجود پایبند بوده و با، داشت که ایران هرگز اب، یا، پاسخ نخواهد داد و اگر پاسخ بدهد بسا، محده خواهد بود».

موشک های ایرانی در آسمان فلسطین اشغالی
«عمیر اورن» تحلیلگر مسائل اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در روزنامه «هاآرتص» نوشت «شکست فعلی جدی و بزرگ بوده و مسئولیت آن متوجه شخص نتانیاهو و نیز تمامی اعضای کابینه جنگ و فرماندهان نظامی است و اسرائیل به همان خطاهای گذشته بازگشت و در واقع از گذشته هیچ درسی نگرفت».

این تحلیلگر در ادامه با انتقاد از تصمیم تل آویو برای ترور فرماندهان نظامی ایران در سوریه گفت: «این شکست شخصی نتانیاهو بود که به زنجیره شکست های آن در طول سال های گذشته افزوده شد، در نهایت اگر ۲ هفته قبل تصمیم متفاوتی گرفته شده بود و صبر پیشه می شد، اکنون اسرائیل هدف حمله قرار نگرفته بود به شکلی که یحیی السنوار، رئیس حماس در غزه خرسند شود؛ در واقع نتانیاهو مشکل جدیدی را به اسرائیل که در غزه و لبنان گیر افتاده، اضافه کرد».

همچنین «تسوی برئیل» تحلیلگر اسرائیلی روزنامه هاآرتص نوشت «خشم گسترده اسرائیل که از روز شنبه انباشته شده، تنها به حمله ایران مربوط نبوده بلکه به دلیل شکسته اطلاعاتی اسرائیل و خطای آن در ارزیابی و پیش بینی درست پاسخ ایران است».

«عاموس هارنیل» تحلیلگر نظامی هاآرتص هم با اشاره به عمق بحران راهبردی رژیم صهیونیستی پس از حمله ایران نوشت عدم پاسخ به حمله ایران به معنای حمله دیگری به قدرت بازدارندگی اسرائیل و موفقیت راهبردی دیگری برای ایران و به منزله پاداشی برای حماس خواهد بود و پاسخ اسرائیل نیز می تواند به جنگی منطقه ای منجر شود و این چیزی نیست که اسرائیل و یا آمریکا آن خواسته باشند.

جلسه کابینه رژیم صهیونیستی
فرار از سوالات سیاسی

طبق گزارش العربی الجديد، همزمان با رکود در جنگ غزه، چه بسا اسرائیل از موضع گیری های کشورهای غربی و برخی کشورهای عربی در خصوص حمله ایران قردان و بر این باور است که این موضع گیری ها ادامه خواهند داشت اما حافظه اسرائیل بسیار ضعیف و کوتاه است، چراکه فراموش کرده بیشتر کشورهای غربی که پس از عملیات طوفان الاقصی از آن حمایت کردند، موضع گیری ها و عملکرد خود را با توجه به نتایج جنگ نسل کشی در غزه و کشتار هزاران فلسطینی تغییر دادند و بعید نیست که همین کشورهای حامی، در صورت گسترش جنگ و آغاز درگیری گسترده با حزب الله، موضع گیری های خود را باز هم تغییر دهند.

اسرائیل در هر مناسبتی مدعی می شود که عملکرد آن در هرگونه جنگ آتی با حزب الله با عملکردش در غزه متفاوت نخواهد بود بلکه شدیدتر هم خواهد بود و لبنان را به عصر حجر باز خواهد گرداند و تفاوتی میان اهداف نظامی حزب الله و اهداف غیرنظامی قائل نخواهد بود، اما اگر اسرائیل به رویکرد خود به همان شکل سابق پایبند است، پس چرا انتظار نتیجه متفاوتی را دارد؟ سوالاتی که تاکنون در محافل اسرائیلی مطرح نشده است.

در پایان این مطلب آمده است: با گذشت ۶ ماه از جنگ، رسانه ها و پژوهشکده ها اسناد و تحقیقاتی و مقالاتی را منتشر کردند که می گویند جنگ بی فایده بوده و هیچ راه حل های امنیتی بدون راه حل سیاسی ممکن نخواهد بود و قطعاً این مسئله مانع از حمایت پژوهشکده ها و تحلیلگران از جنگ جدید در آغاز آن نخواهد شد، همان گونه که در ابتدای جنگ علیه غزه چنین بود. اما سوالات سیاسی و دلایل رسیدن اسرائیل به شرایط فعلی همچنان بدون جواب و بررسی مانده چرا که تل آویو گزینه های نظامی را ترجیح می دهد و از سوالات و راه حل های سیاسی و هزینه های آن ها را فرار می کند.